

سنگین

شماره نهم

علمی فرهنگی تاریخی ادبی هنری

در برگهای این شماره

- ۱- آغاز سخن
- ۲- عدالت اجتماعی
- ۳- فضایل اخلاقی...
- ۴- هنر معماری غوری ها
- ۵- دلاور خان غوری
- ۶- حریم خیال
- ۷- عوامل انسانی در تربیت
- ۸- تبسم
- ۹- زباله ها





شناسنامه

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

تاریخی، فرهنگی، ادبی و هنری * سال اول، شماره ۵ دلو ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور

عابد حیدری، پروفیسور عزیز احمد پنجشیری، استاد رحمت الله بیژن پور،

قاضی غوث الدین مستمند غوری، استاد محمد رسول فایق، استاد

عبدالشکور دھزاد، عایشہ عنقا نیازی غوری و گل آقا رامش

گرافیک: محمد شکیب شیرزاد

طراح جلد: نیک محمد مستمند غوری

رسام: محمد حبیب حزین یار

تنظیم کننده و سردبیر: انجینیر محمد نظر حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹

حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: بنیاد جهانداران غوری، حوزہ غرب، شہر ہرات، گردہ

پارک ترقی، سالون فانوس دریا، طبقہ چہارم.

چاپ: ستارہ نقرہ ای - کوچہ گدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰

مدیر مسؤل درویرایش مطالب دست باز دارد.

بدون از سر مقاله، نوشته ہا و مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده ہودہ و نشریہ شناسیہ در این خصوص مسؤلیتی ندارد.



که آیا این بنیاد، در کنار دهها مرکز فرهنگی دولتی و نیمه دولتی که از امکانات فراوان برخوردار اند، میتواند راه به سر منزل مقصود برده، به کارهای فرهنگی اش ادامه بدهد؟ خوشبختانه زمان و انجام خدمات فرهنگی هدفمند بنیاد به آن همه گمانها و پرسشها جواب داد. الحمد لله امروز شاهد آنیم که بنیاد چون کوه استوار، با دست آوردهای قابل ستایش بکار و خدمات فرهنگی روشنگرانه اش ادامه میدهد.

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری منحیت یک مرکز، تالار و یا هم خانه فرهنگی، نه تنها در سطح پایتخت افغانستان، بلکه در بخشهای دیگری از کشور نیز در سطح دفاتر ولایتی فعال بوده به انجام کار و فعالیتهای خلاق فرهنگی پرداخته، بدون تردید در کوتاه مدت زمان چهار سال، طولترین راه را پیموده است.

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری بحیث یک مرکز جوان فرهنگی، در راه خدمت به فرهنگ کشور و بطور خاص تاریخ و فرهنگ پر بار دیروز و امروز غور و غوریهها خدمات قابل قدری انجام داده که خوانندگان محترم در جریان کارها و فعالیتهای آن قرار دارند. سالگرد ایجادش فرخنده، راهش روشن و خدمات شایسته فرهنگی اش همیشه باد!

فعالان عرصه خدمات فرهنگی را عقیده بر آنست که پیشبرد کارهای فرهنگی به پیگیری و مداومت

همیشگی نیاز دارد. زیرا گنجینه های گران سنگ فرهنگ بشری در چند روز، ماه و یا هم سال خلق نگردیده، بلکه از نخستین روزهاییکه بشر کنونی بعنوان آدم و حوا، پا به گستره این کره خاکی نهادند، اولین برگهای این دفتر کهن؛ از فرهنگ و فعالیتهای فرهنگی بنی آدم بار یافته است. بقول بزرگان: فرهنگ چیزی نیست که در یک مقطع زمانی کوتاه بدست آمده باشد. بلکه فرهنگ نتیجه سالها تلاش باشندگان یک جامعه است.

در دنیای معاصر رسالت بزرگتر و مسوولیت خطیر تر از انجام کارها و خدمات شایسته فرهنگی، دیگر چه میتواند باشد؟ در بین ملتها و گروه های کوچک و بزرگ انسانی جهان ما، امروزه دگر تقویه، رشد و بنمایش گذاشتن فرهنگهای پر بار پارینه شان نه تنها از جایگاه خاص برخوردار است؛ بلکه به آن منحیت مایه، پایه و ریشه مستحکم تاریخی فرهنگی خود فخر میکنند. زیرا درختی استوار و پایدار است که ریشه هایش عمیق است. ملتها، اقوام و گروه های قومی ای بخود می بالند و گردن فرازی میکنند که دارای فرهنگ غنی و پیشینه تاریخی افتخار آفرین اند. زیرا برای هر هویتی حفظ فرهنگ پر بار گذشته، و بر مبنای آن ایجاد و رشد فرهنگ غنی و معاصر، بیشتر از آب و نان ارزش دارد. شاید از بی نانی یک ملت نمیرد، ولی مطمئناً در نبود فرهنگ معین و عدم بازتاب فرهنگ پارینه، دچار چالشها و سر در گمی ها خواهند شد. در جهان کنونی، مراکز فرهنگی و رسانه های همگانی، بیشترین سهم و نقش را در بازتاب مفاخر فرهنگی گذشته بدوش داشته، بنیادها و مجامع فرهنگی که محل تجمع فرهنگ دوستان، و نخبه های فرهنگی یک جامعه بشمار میروند؛ در جهت باز خوانی گنجینه های فرهنگی هویت های مختلفه سهم بارز داشته، در نشر و پخش این سرمایه های معنوی از ارزشهای کلیدی برخوردار اند. برای انسانهای علم دوست، فرهنگ پرور و خیر اندیش، هدف، مقصد، گام متعهدانه و سودمند تر از ترویج دانش نوین، معرفی فرهنگ دیروزی، ایجاد و رشد فرهنگ ناب معاصر نمیتواند وجود داشته باشد. آنها هم با در نظر داشت این گفته معروف: بقای یک ملت و یا گروه های اتنکی در بقای زبان و فرهنگ آنها نهفته است. پس به یقین کامل که، فکر و حرکت هدفمند در جهت تحقق این آرمان سترگ به تفکر عقلانی نیازمند است، و داشتن فکر بزرگ، بدون شک مستلزم روح بزرگ است

با تکیه به همین طرز تفکر عالی و هدفمند بود که چهار سال قبل از امروز به ابتکار تعدادی از روشنفکران، تحصیل کرده گان، فرهنگیان و فرهنگ دوستان غور یک مرکز فرهنگی با هدف خدمت به تاریخ کهن و فرهنگ پر بار غور با شعار "خودشناسی" از یک طرف، و از جانب دیگر بخاطر انجام فعالیتهای روشنگرانه ئی فرهنگی، تاریخی، ادبی، هنری، اجتماعی و پخش اندیشه های صلح، آزادی، ترقی و عدالت اجتماعی با اسم رسمی « بنیاد فرهنگی جهان داران غوری » تاسیس و با یک برنامه تنظیم شده و هدفمند آغاز بکار کرد

چهار سال قبل که بنیاد فرهنگی جهانداران غوری در پهلوی تعداد کثیری از مراکز فرهنگی ئی ثبت و راجستر شده در سطح کشور کارش را آغاز کرد، عده ئی بر آن گمان بودند

پیام نتاد باتر اسناد نتاه محمود محمود

محترم رئیس هیات رئیسه و اعضای بنیاد جهانداران غوری!

خوشحالم که یکبار دیگر پنجمین سالگرد ایجاد بنیاد فرهنگی جهانداران غوری را با سرور و شادی جشن میگیریم. بنیاد جهانداران غوری که به کمک والا فرزندان غوری و دوستان شان برای اشاعه و احیای فرهنگ پر بار غوری های پر صلابت و پر غرور پنج سال قبل تأسیس گردید با پشتبانی بی دریغ هموطنان مواجه گردید و به کمک آنها کارکرد های همه جانبه را در سطح ولایت غور و دیگر ولایات افغانستان به پیش برد.

از آغازین روزهای تأسیس خویش سیمینار بین المللی فرهنگی را با موفقیت پشت سر گذاشت و دانشمندان از داخل و خارج افغانستان سهم به سزایی گرفتند. با همت بنیاد فرهنگی جهانداران غوری کار فرهنگی رویدست گرفته شد ملاقات های هموطنان غوری در سراسر افغانستان تنظیم گردید و از نظریات و پیشنهادات آنها استفاده برده شد. آثار متعددی انتشار یافت که برجسته ترین آنها چاپ تاریخ دولت مستقل غوریان، جغرافیای تاریخی غور، غوریان زادگاه هفت اختر، طبقات ناصری و چند تای دیگر است.

حوزه های علمیه در کابل و هرات و غور تاسیس شد و برای جوانان کار های هنری و ادبی و انترنتی رویدست گرفته شد. برای ارتباط مستقیم هموطنان غوری در حوزه غرب در ولایت هرات مرکز ثانوی بنیاد فرهنگی ایجاد گردید. در اثر توجه رهبری بنیاد متذکره مجله یا ماهنامه شنسبانیه ایجاد و به زیور طبع اراسته گردید که تا کنون چهار شماره آن انتشار یافته است که حاوی مطالب تاریخی و فرهنگی و ادبی میباشد. قابل یادآوری است که بنیاد فرهنگی جهانداران غوری یکی از فعال ترین بنیاد کشورمان است که به صورت منظم راه خود را در دل هموطنان ما باز نموده است و روز تا روز با تباری و همکاری مردم زینه های پیشرفت را به بالا میبرد

با استفاده از فرصت من هم سالگرد ایجاد این بنیاد فرهنگی را برای رهبری و همکاران و دست اندرکاران آن تبریک و تهنیت میگویم موفقیت های ممتد و مستدام شان را آرزو میبرم.

با عرض حرمت اسناد شاه محمود محمود

اجتماعی عدالت

سید محمد رفیق « نادم »



یکی از اصول

زیرین در زندگی کتله های بشری، تحقق عدالت اجتماعی است، که تطبیق و رعایت آن عمدتاً وظیفه خاص دولت هاست، بخصوص در کشور های اسلامی، عدالت، عدل، اعتدال، قسط و انصاف واژه های عربی اند و از یک ریشه منشأ میگیرند موارد استعمال هر کدام از اینها به تناسب موضوع خاص است و از لحاظ کار برد در ترکیب جمله مفاهیم را بدست میدهند، قبل از ورود به اصل مطلب از جمله کلمات دو کلمه عدالت و عدل را از نگاه لغوی لازم به تعریف میدانم:

الف - عدالت به معنی انصاف، میانه روی و داد گری بودن. هر انسان مکلف است تا عدالت را در برابر هر فرد، جامعه خود و خانواده اش رعایت کند و باید در تمام زندگی مادی و معنوی میانه رو باشد، زمانیکه یک انسان میخواهد عبادات نفلی و استحبابی را انجام دهد لزوماً باید در حد اعتدال باشد که در صحت آن ضرر واقع نشود و از انجام کار های مثبت آنرا باز ندارد، انسان موجودی است اجتماعی باید در جامعه زندگی کند، در زندگی اشتراکی گاه گاه قضایای رونما میگردد که اغلباً به نزاع منجر می شود، حل قضیه متنازع فیه بدون جانب داری و رساندن حق به مستحق داد گری است.

ب - عدل به معنای برابر بودن. این برابری در برگیرنده مسایل معاملات، اوزان، حقوق، حفظ حیثیت انسانی و غیره می باشد که تعریفی است بسیار واضح و روشن که در آن اجتهال و اغماز وجود دارد.

عدل بمعنای داد گری بودن، مقسط بودن، عدل بحکم آیه: "ان الله یأمرکم بالعدل والاحسان" وجبیه هر فرد ذی حکم و باصلاحیت می باشد در وقت اعلان و صدور حکم داد گری آن طوریکه مقتضی شریعت است رعایت شود، توجه نمائید که رفع مسئولیت کرده باشید.

عدل - به معنای

ضد ظلم و ستمگری؛ این معنی

بسیار وسیع و گسترده است در مسایل

اجتماعی، اقتصادی و دولتی مصداق زیاد دارد بر مبنای این معنی مبارزه علیه هرگونه ظلم، جور و استبداد و هر حرکتی که منجر به فساد شود عدل گفته می شود.

تأمین عدالت اجتماعی شیوه کار حکومت های عادل است، خداوند عظیم الشان برای بهبود نظم اجتماعی و زیست انسانی مکلفیت ها و جایب و مسئولیت های فرد، جامعه، حکام و زمامداران را در قانون آسمانی تعیین کرده است، تا زمانیکه این قانون در عمل پیاده شود عدالت اجتماعی تأمین میگردد و جامعه دچار هیچگونه بدبختی، تشنج، ظلم حقوق تلفی، تعرض و تجاوز قرار نمیگیرد، مسئولیت و کرامت انسانی حفظ میگردد.

نظام های اسلامی و غیر اسلامی در عملکرد و انتخاب بعضی واژه ها و جوه مشترک دارند مانند؛ صداقت، عدالت، پاکی، تعهد و غیره تحقق یافتن این واژه تا برابری هر دو نظام قابل قبول است بخصوص عدالت که از ضرورت های مبرم هر نظام است وظیفه عمده دولت ها بعد از تأمین امنیت در رأس همه مسایل تحقق عدالت اجتماعی است، عدالت بمثابة خون در عروق جامعه نقش حیاتی دارد، بیشترین رنج را مردم از عدم رعایت عدالت بدوش می کشند، عدالت تضمین کننده سعادت و رفاهیت است، در جامعه که عدالت نیست همه مناسبت های اجتماعی در خطر است، لذا قرآن کریم برای حاکمیت عدل و اعتدال تأکید فراوان دارد، مجریان عدالت گاه گاه اجتماع گاه حکومت و گاه مشترک می باشند، میتوان مثالهای زنده آنرا از لا بلای قرآن جستجو نمود و چند آیت را متذکر شد:



بخصوص عدالت اجتماعی که همیشه سر زبانها

می باشد، عدالت اجتماعی یعنی چه؟ لازم است تا طور فشرده، کوتاه مروری به شناخت آن داشته باشیم:

عدالت اجتماعی رعایت و اعطای حقوق برای تمام افراد جامعه مساویانه، بدون تبعیض در صورت ثبوت استحقاق، تطبیق قوانین بالای همه افراد، اتباع بدون انحراف، طور یکسان، انجام کلیه خدمات اجتماعی، در تمام سطوح، مبارزه علیه تمام پدیده های منفی. اینها مصداق عدالت اجتماعی است، آنچه خلاف اینها صورت میگیرد ظلم و جور است که در مقابل عدل قرارداد، عدالت اجتماعی یکی از اصول زرین در زندگی کتله های بشری می باشد در جامعه و کشوریکه رعایت نمیگردد، مبین این است که یک پله ترازوبه نفع یک عده به اوج ارتفاع و پله دیگر آن در حد آخرین نزول به ضرر عده ی دیگر می باشد که برای هیچکس قابل قبول نیست و دوام این عملکرد جابرانه که جامعه را به آتش سوزنده و کشور را به سمت بحران نابود کننده ی می برد، ناگزیر پی آمد آن طغیان و قیام خواهد بود. امروز جهان یکروز که مصادف است به اول حوت ۱۳۹۲ را بمتابه روز جهانی عدالت اجتماعی در تاریخ انسانی نام گذاری نموده و تأکید بر آن دارد تا به هر وسیله ی که باشد این عدالت در بین اجتماع بشری تحقق یابد، تا باشد جامعه درامن و زندگی انسانها بوجه عالی آن تأمین گردد، عدالت اجتماعی را می توان در تمام عرصه ها چه زندگی عادی از محل بودوباش و تا سرحد انتخاب نفر اول دولت با در نظر داشت اهلیت، شایستگی سابقه کاری و صداقت آن در نظر داشت و رعایت حق کتله های عام بشری نیز جزء همین عدالت پنداشته می شود در این راستا امنیت جانی، مالی، استقلال فکری، تحکیم قانون باید جدی در نظر گرفته شود.

در آیه (۹۰) سورالنحل

خداوند امر میکند به عدل و نیکو کاری. بموجب این آیه کریمه رعایت عدالت و جیبه تک تک هر فرد مسلمان است برسبیل انفرادی، همچنان خداوند در آیه (۵۷) سوره نسا به عنوان و صیغه امر میفرماید که با این ترجمه است: (خداوند امر می کند بر شما که بدهید امانات رابه اهل آن و وقتیکه حکم میگردید بین مردم به عدالت حکم کنید).

تمام امانت های مهم و امانت های عادی در میان مردم به این آیه مبارکه شامل است، اما زعما و زمامداران از مخاطبین تحت امر در مقام اول قراردادند، زمانیکه کارمندان خدمات اجتماعی را مقرر می کنند باید اهلیت و لیاقت را در نظر بگیرند و وظیفه را به اهل آن بدهند، وقتیکه بین مردم در هر خصوص که باشد حکم می کنند، حکم به عدالت باشد، نباید هیچ امری آنها را منصرف سازد که از قول خداوند سرکشی کنند و خلاف آن عمل نمایند، همچنان خداوند حکیم و دانا در آیه (۸) سوره مائده فرمایشات دارد که شامل موضوع عدالت و سایر مسایل می باشد، ترجمه آن چنین است: (ای مؤمنان برخیزید برای داد خاص خدا، گواهی دهندگان باشید به قسط و دشمنی قومی شما رابه ترک عدالت و اندارد، عدالت کنید که به تقوی نزدیک تراست) در این آیه مبارکه امر عام وجود دارد، حاکم از هر قومی که هست و هر شخص که هستند باید تحت تأثیری مخالفت های قومی قرار گیرند و این مخالفت ها سبب گردد تا به عدالت حکم نکنند و از امر خداوند سرپیچی نماید، حکم به عدم عدالت اتلاف حق و ظلم صریح می باشد که بر زیحق از جانب حاکم تحمیل میگرد و پایه های اعتماد را در بین جامعه متزلزل می سازد.

کلمه عدالت، بسیار پر مفهوم، فراگیر شامل اکثریت بخش های زندگی مردم است،

فضائل اخلاقی از دیدگاه اسلام

تتبع الدین امین

نیت نیک

بلند ترین مرتبه فضایل اخلاقی (قصد و اراده) خیر است، چه در غیر آن تظاهر به رفتار خوب و اخلاق نیک، هیچ نفعی به انسان نمی رساند، به همین دلیل است که رسول الله (ص) تمام اعمال و رفتار انسانرا به نیت وی پیوند داده اند. از حضرت عمر (رض) حکایت است که گفته اند: از رسول الله (ص) شنیدم که فرمود: ترجمه " ارزش کارها به نیت بستگی دارد و انسان پاداش عمل خود را براساس نیت و انگیزه اش دریافت می کند، از اینرو که کسی که هجرتش برای خدا و پیامبرش باشد، پس هجرتش بسوی خدا و پیامبر است، و اجر و پاداش به او تعلق میگیرد و هر کس که هجرتش برای دستیابی به دنیا و یا ازدواج با زنی باشد، پس هجرتش برای همان چیزی است، که بسوی آن هجرت کرده است، او در نتیجه از هر گونه اجر و پاداشی محروم خواهد شد."

اهمیت حدیث

این حدیث از احادیث بسیار مهمی است که اسلام بر مدار آن قرار دارد و به عنوان اصلی در دین تلقی می شود و بیشتر احکام دین بر محور آن می چرخد، امام احمد و شافعی گفته اند: حدیث «انما الاعمال بالنیات» یک سوم علم را دربر میگیرد، زیرا کسب و تلاش بنده با قلب، زبان و اعضا صورت می پذیرد، پس نیت قلبی یکی از اقسام سه گانه ی کسب پاداش است.

این حدیث دلالت بر آن دارد که نیت، معیاری برای تصحیح اعمال است، هرگاه نیت درست باشد، عمل نیز درست خواهد بود و هرگاه نیت نادرست باشد، عمل نیز تباه خواهد بود. این فرموده ی پیامبر (ص) «انما الاعمال بالنیات» احتمال دارد به معنی صحت اعمال به کار رفته باشد، امام ابوحنیفه (رح) همین معنا را پذیرفتند.

اساس نیت برای متمایز کردن عادت ها و تفکیک مراتب عبادات از همدیگر است. متمایز کردن عادت ها و عبادات ها، نشستن در مسجد، گاه از روی عادت با نیت استراحت صورت می پذیرد

و گاه با نیت اعتکاف برای عبادات را از عادت جدا می کند، نیت غسل نیز چنین است، گاه از

روی عادت با نیت نظافت جسم صورت می پذیرد، گاه نیز هدف آن عبادت است، آنچه این دو حالت را از هم متمایز می کند، نیت است. از پیامبر بزرگوار اسلام پرسیدند: ای رسول خدا! گاه شخص از روی تظاهری از روی تعصب یا به خاطر شجاعت می جنگد، کدام یک در راه خداست؟ فرمود: ترجمه: " کسیکه برای اعتلای برنامه خدا بجنگد، جنگیدنش در راه خداست". از این حدیث مبارک می آموزیم که: - کسیکه تصمیم میگیرد عمل شایسته انجام دهد، ولی عذر بزرگ مانند بیماری یا مرگ، او را از انجام آن باز میدارد، پاداش دریافت خواهد کرد.

- کارها جز بانیت، صحیح نخواهد بود، زیرا نیت فاقد عمل، پاداش دارد، اما عمل فاقد نیت، بی ارزش خواهد بود، جایگاه نیت برای عمل، همچون روح است، برای تن و تن بدون روح زنده نمی ماند، روح نیز چیز باتن در این جهان ظهور نخواهد داشت.

- این حدیث ما را به این نکته راهنمایی می کند که اخلاص در رفتار و عبادت، شرط لازم برای دستیابی به اجر و ثواب در آخرت و توفیق و کامیابی در دنیا می باشد.

- هر رفتار سودمندی با نیت و اخلاص و کسب خشنودی خدا تبدیل به عبادت می شود.

صبر و شکیبایی

صبر یعنی: شکیبیدن، شکیبایی کردن، پاییدن... (لغت نامه دهخدا) صبر بردباری و شکیبایی یکی از صفات برجسته انسان عاقل است، انسان می تواند باشکیبایی بزرگترین، مشکلات و سنگین ترین مصیبت ها را پشت سر گذارد، همان گونه که با عجله و شتاب ممکن است بهترین فرصت ها را از دست بدهد..



صبر عبارت است از باز داشتن نفس از کار های ناپسند، بند کردن زبان از شکوه و تحمل کردن رنجها و مشقت های وارده. امام ابن قیم (رح) در نامه ی که به یکی از دوستانش فرستاده است، مواردی را که صبر در آن مصداق پیدا می کند چنین بیان کرده است «امامت و پیشوایی دینی از طریق صبر و یقین به دست می آید»، عده ی گفته اند این چیز بوسیله صبر از رسیدن به مال دنیا حاصل می شود و گفته شده است

از طریق صبر در مقابل بلا ها و مصیبت ها کسب می شود و برخی گفته اند، بوسیله صبر و خود داری از چیز های که الله متعال از آن نهی کرده است حاصل می گردد، سخن صحیح این است در هم آئینه موارد مطلوب شریعت است. (رساله ابن القیم الی احد خوانه ج ۱ صفحه ۱۵)

صبر در برابر شهوت و دنیا طلبی

یکی از عوامل انحراف انسان، دنیا طلبی مفرط است، مال و متاع دنیا بخاطر انسان و خدمت وی آفریده شده است و انسان میتواند برای رفاه و آسایش خود از نعمت های دنیا استفاده کند. خالق هستی بخاطر امتحان و آزمایش انسان از یک طرف در مال دنیا حلاوت و لذتی قرار داده که آدمی را بسوی خویش می کشاند و از سوی بخاطر استفاده ی سالم از مال دنیا قوانینی را وضع نموده است تا انسان در استفاده از مادیات به حدی غرق نشود تا خود را نیز فراموش کند. بنابراین بنده مؤمن از طرف نفس و شیطان مورد فشار قرار میگیرد تا مقررات تعیین شده از جانب خداوند را در نحوه استفاده از مال دنیا را زیر پا کند، بناء حفظ تعادل در برابر این فشار و استقامت در مسیر تعیین شده از طرف الله متعال، یکی از میدان های مبارز صبر است.

صبر در مقابل مصیبت ها

انسان مسلمان مکلف است تا زنده گی خود را طبق قانون و شریعت الهی عیار کند و سنت پروردگار متعال اینست که وقتی کسانی ادعای پیروی از دین را داشته باشند؛ حتماً مورد ابتلا و آزمایش قرار میگیرند،

تا مومنان صادق از مدعیان کاذب جدا شوند؛ الله متعال صبر و پایداری بر اصول و مبادی دین را به عنوان معیار جدا سازی مؤمن صادق از مدعی کاذب تعیین کرده است، یعنی هر گاه در مسیر زندگی فردی که مدعی دیندار است مشکلی ایجاد شد؛ در صورتی که عملاً با مشکل دست و پنجه نرم کند و از مبادی خود صرف نظر ننماید، ثابت میشود که در ادعای خود صادق است والا کسی میباشد که هدفش از تظاهر به دیندار بودن حصول امتیازی مادی و یا منصبی دنیوی است. خداوند کریم در آیه ۱۴۲ سوره آه عمران فرمود:

ترجمه: (آیا پنداشته اید وارد بهشت میشوید، در حالی هنوز الله (ج) کسانی از شما را در راه او جهاد کرده اند و شکیبایان را {از دیگران} مشخص و معلوم نکرده است؟!)

سخنان مطلوب

دانش به خودی خود باید قانون اخلاق باشد، زیرا اگر آدمی، ارزش طبیعی راستی را بپذیرد، در این صورت، اگر خود در خدمت این ارزش طبیعی باشد، همه گونه نتایجی از آن به دست خواهد آمد. (برونوسکی)

حق همان آفتابی است، که تاریکی را گم کرده، روشنی را به میان می آورد.

هدف همیشه ثابت و استراتژی همیشه در تغییر است. اصلاح استراتژی به معنی تغییر در هدف نیست، به کلماتی دیگر علاقمندی ما همیشه ثابت و مسیر دستیابی به آن هر روز تغییر میخورد.

عادلترین مردم کسی است که هر چه برای خود پسندد برای دیگران بیسندد و هر چه برای خود نخواهد برای سایرین نیز آرزو نکند.

قیمت و ارزش هر کس به اندازه کاری است که به خوبی می تواند انجام دهد. (حضرت علی ک) به همه عشق بورز، به تعداد کمی اعتماد کن، و به هیچکس بدی نکن. (شکسپیر)

بخاطر بسپاریم که تنها راه تامین خوشبختی این نیست که متوقع حقیقت شناسی از دیگران باشیم بلکه خوبیهاییکه به آنها می کنیم باید فقط بمنظور تامین مسرت باطن خودمان باشد. (دیل کارنگی)

پیروزی آن نیست که هرگز زمین نخوری، آنست که بعد از هر زمین خوردنی برخیزی. (مهاتما گاندی)

اما بعد از یک دهه با مرگ معزالدین امپراطوری غوری ها به تجزیه مواجه گردید و برای مدتی پیش از تهاجم چنگیزی ها تحت اداره خوارزمشاهیان قرار گرفت.

در ویرانه های شهر غورات عصر غوری ها از سیستان به طرف افغانستان شمالی، از هرات تا افغانستان شرقی به آسانی می توان ظروف گلی کنده کاری شده را دریافت، این ظروف با خطوط فرو رفته ی هندسی، یا کار آزاد بارنگ سبز، نضواری، یا زرد معمولی دوره اسلامی بین نخستین دوران اسلامی و عصر سلجوقی ها قرار میگیرد، مدارک و کشفیات باستان شناسی بدست آمده در نقاط

متعدد ایران دوره غوری ها، در بامیان، لشکری بازاریوبست این نظریه را بیش از پیش تقویه می کند.

اسناد تاریخی اسلامی، معلوماتی را در اختیار ما میگذارد که حکم رانان غوری دارای یک پایتخت افسانوی بودند، بعد از کشف منار جام، این مرکز که فیروز کوه نامیده می شد، دریافت گردید، همچنان مشخصات و مدارک جدیدی بر آن افزوده شد و کشف نهایت جدید سروی باستان شناسی که توسط ورنرهربرگ در ۱۱۷۶ میلادی و همراهانش در کوه های غور صورت گرفت زیاد تر در زمینه کمک رساند.

پیش از آنکه تصمیم نهایی در مورد فیروز کوه گرفته شود لازم است که بقایای معماری هیکل تراشی عصر غوریان را که به پیمان

زیاد وجود دارد، تحت مطالعه و بررسی قرار داد، ما سروی خود را از نواحی جام آغاز می کنیم:

در قلب کوه های غورات دریای هریرود از شرق به غرب جریان دارد، دریای کوچکتر جام رود به شمال جریان داشته و قریه کوچک جام را عبور می نماید، در شمال غرب تقاطع بادیای هریرود، برج خشتی جام قدر راست، در شمال این برج دریای کوچکی به هریرود میریزد، که بیدان رود نامیده می شود و از سمت آهنگران حرکت می نماید.

منار جام دارای ارتفاع ۶۵ متر و قاعده ی به قطر ۹ متری باشد و از خشت پخته اعمار گردیده است، در بالای قاعده هشت ضلعی، حلقه اول استوانوی قرار گرفته است،

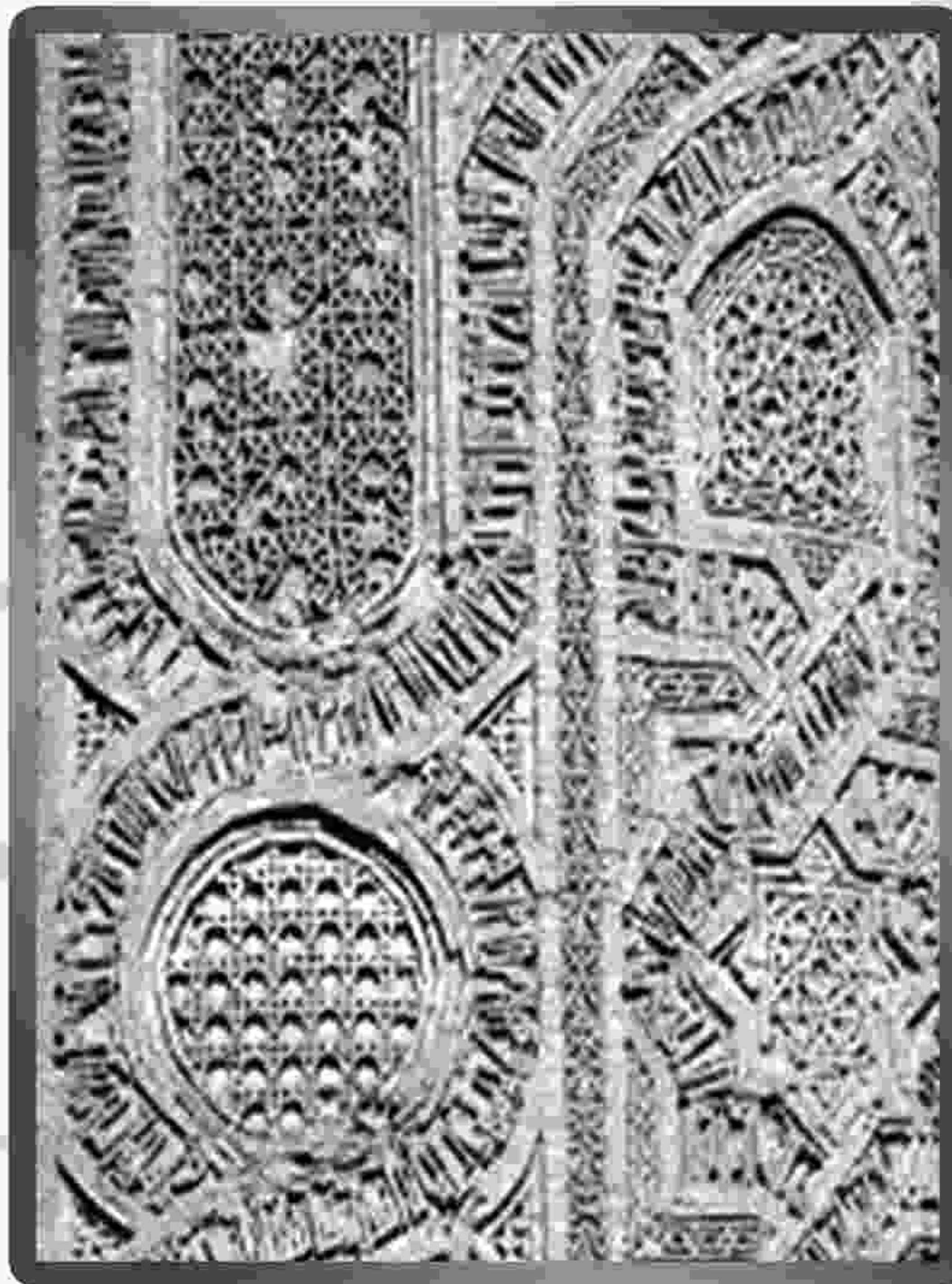
در شماره دوم سال سوم صفحات (۲۳-۱۹) مجله هرات باستان نوشته شده؛ غوری ها به حیت یک خانواده مستقل سلطنتی در سده دوازدهم و اوایل سده سیزدهم در منطقه کوهستانی غور، در تپه ها و وادی های پارو پامیزاد افغانستان مرکزی امروز، عرض اندام نمودند، نام خانوادگی شاهان غوری شنسب بوده و حین بدست آوردن قدرت تلاش به عمل آوردند تا خود را به سلسله ی سلسله شاهان قدیمی اولین دود مانهای سلطنتی آریانا نسبت دهند.

گرچه محمود غزنوی در زمان پادشاهی اش سه مرتبه تلاش تسخیر غور را نمود، باز هم غور دست نخورده باقی ماند،

در سال ۱۰۱۱ میلادی رئیس قبیله شنسبی ها محمد بن سوری در مقر خود (قلعه آهنگران) دستگیر شد و پسرش که از هواداران غزنوی ها بود ابو علی نام داشت به تخت سلطنت نشست، گفته می شود که ابو علی مساجد و مدرسه های رادر این منطقه که تازه به اسلام مشرف شده بود اعمار نمود.

با پادشاهی عزالدین حسین، غور به منطقه حایل بین امپراطوری های غزنوی و سلجوقی تبدیل گردید و بعد ها با تضعیف نسبی و دمان غزنوی ها، بعد از مرگ سلطان ابراهیم در ۱۰۹۹ غور به منطقه نفوذ سلجوقی ها مبدل گشت، بعد از سلطان علاوالدین غوری در وسط سده دوازدهم غور به امپراطوری نیرومندی تغییر شکل داد.

در زمان شمس الدین غوری، (بعد ها غیاث الدین) محمد غوری (۱۲۰۲-۱۱۳۵م) و برادرش شهاب الدین (بعد ها معزالدین محمد غوری) ۱۱۷۳-۱۲۰۶ امپراطوری غوری ها به اوج نیرومندی خود رسید، این هردو برادر بطور کلی باید گفت که نمونه همکاری نادر و ساز در اوج گیری و شگوفایی امپراطوری بودند، برادر اولی فتوحات خود را متوجه غرب و کنترل قلمرو خوارزمشاهیان در خراسان نمود و برادر دوم بطرف هند به حرکت افتاد این حملات نتایج چند جانبه رادنیال داشت که می توان گفت: سبک معماری هند شمال غربی منجر به اعمار مسجد لاروند گردید و فاتحان افغانی هند، آبد مشهور «قطب مینار» را در دهلی بنا کردند، تأثیرات فرهنگی غوری ها همچنان به غرب نیز انتقال یافت کار بجای رسید که امیر صفاریان سیستان تاج الدین حرب حاکمیت غوری ها را متقبل شد،



تمام برج متشکل از چهار قسمت می باشد که از پائین به بالا باریک شده می رود و در اطراف دارای برنده ی «بالکن» بوده که اکنون از بین رفته است، تمام قسمت های خارجی سطح پائین منار، با خشت های کنده کاری شده تزئین گردیده است، حلقه ی پیش از همه تزئین یافته، حلقه اولی می باشد، که سطح آن با هشت قسمت عمودی تقسیم گردیده است، که با کتیبه های باریک از همدیگر جدا می شود، بطوریکه پیوست و مسلسل از یک بخش به بخش دیگر ادامه می یابد، متن این کتیبه سوره مکمل «مریم» از پاره نهم قرآن شریف می باشد. فقط در پائین برنده اول و دوم یک ساحه بدون تزئینی وجود دارد که متناظر با قسمت

بالایی دروازه دوم می باشد، در قسمت پائین بر روی شبکه ی حلقه مانند دو کتیبه به خط کوفی وجود دارد که دارای تزئینات هندی می باشد و بالای برنده دوم، ساحه بدون تزئین دیگری دیده می شود که بر سطح در آوازه شوم قرار می گیرد و بر این سطح کتیبه بخط کوفی موقعیت دارد.

دیوار هامتشکل از خشت های پخته بهم بافته شده می باشد که ۲۰ سانتی متر مکعب پهنا و ده سانتی متر مکعب ضخامت دارد، داخل قسمت پائینی منار استوانه نخستین، زینه های مارپیچ قرار دارد، این زینه هایکی بالای دیگری موقعیت داشته و در بالا همدیگر راقطع می کنند.

نخستین کتیبه های استوانه یی در پائین از غیاث الدین محمد بن سام حکمران فیروز کوه (۱۲۰۳-۱۱۵۳) یاد آوری می کند که سبک خط کوفی آن، عنعنوی می باشد، استوانه نخستین منار، شیوه مهندسی و تخنیک هنر اسلامی قدیم را داراست که بخش های ساختمانی آن بیشتر تزئینی می باشد و خشت کاری تزئینی سه بعدی بر دیوار هاسایه روش را ایجاد نموده است شبیه این تخنیک خشت کاری تزئینی در ساختمان دوره غوری هرات، چشت شریف نیز دیده می شود.

در میان موتیف های استعمال شده، خوشه های مروارید از زمان ساسانی ها متداول بوده



که در برج بهرام شاه در غزنی نیز بچشم می خورد. نظریه مولین ۱۹۷۵ با کشفیات باستانشناسی در اطراف جام توسط لوبر، برونو، گنولیو کیفرنیز تقویت و تأیید می گردد، یادداشتهای هربرگ که من اجازه نشر آنرا یافته ام مبنی بر تازه ترین کشف وی از بقای آثار مهندسی و پیکر تراشی که قسماً توسط راب تدوین گردیده معلومات جدیدی را در اختیار محققین و دانشمندان می گذارد، هربرگ در تپه های کشک در غرب جام رود منار آن، در تقاطع دریا، قادر به کشف سنگهای قبر با کتیبه های بزبان عبرانی گردیده که

بیانگر موجودیت جامعه بزرگ یهودی در این منطقه در بین سالهای ۱۱۴۹ تا ۱۲۱۵ می باشد، او در جنوب هریرود برجهای ترصدی را که ادامه یک دیوار دفاعی بود، پیدا نموده است، صخره های طبعی که توسط سنگهای بیرونی و داخلی ارتباط یافته بدست آمده است که طول آن تا ۲۰۰۰ متر میرسد، در قسمت بالای تپه وی موفق به دریافت دیگدان سنگی و ذخیره آب سنگی گردید.

در داخل و اطراف این خرابه ها به جمع آوری پارچه های ظروف گلی پرداخت، در غرب این استحکامات دفاعی در یکی از وادی های هریرود در شمال

منار، بعضی از خرابه ها تا چند سال قبل به چشم می خورد که اکنون آنها بکلی از بین رفته اند و مطابق به روایات مردم محل «بازار» نامیده می شده است.

بلاخره در زاویه بین هریرود و میدان رود بقایای قلعه دفاعی کوچک در کرانه دریای بیدان یک کتیبه اسلامی بر روی سنگ کشف گردید، این قلعه احتمالاً غرض محافظه بیدان رود که راه مهم تاریخی بطرف آهنگران می باشد ساخته شده این نام در اثار نویسندگان اسلامی هم یاد گردیده است که دارای خرابه های قبل از اسلام و نیز اسلامی بوده امروز یک قریه پرنفوس می باشد.

دلاور خان غوری و روابطش با احمد خان ابدالی

عبدالشکور «دهزاد»

و برای دلاور خان غوری شمشیری داد و مرخص فرمود همه ی اهل خانقاه و ارادتمندان حاضر در محفل ازین عمل حضرت سلطان متعجب شده و هر کسی سخنی گفت و تعبیری کرد و سالیانی گذشت تا متحقق شد و احمد خان ابدالی پادشاه و سردار دلاور خان یکی از هم پیمانانش در جنگها بود و به هر جا که رفتی قشونی از مردم غور با او بودی چون وی را به شجاعت و پایداری این مردم علاقه ی خاص بود

حتی در فتح هندوستان و جنگ پانی پت فرزند

ارشد دلاور خان غوری به نام عناب شاه به شمول چندین نفر دیگر از غوریها شهید شدند . که مقابر ایشان در مقبره ی چشت شریف تا اکنون موجود و مسمی به زیارت سلاطین غوریست .

و اما دلاور خان غوری فرزند شاه کرم سلطان (مدفون در چشت شریف) شخصی بود که محدوده ی به نام ممالک غور را به تصرف داشت و این حدود در عصر دلاور خان غوری از بامیان در شرق الی اسفزار در غرب و از میمنه در شمال الی زمینداور در جنوب را شامل بود و احد شاه ابدالی نیز بر همین حدود مهر صحه زده و طی فرمانی که هم اکنون موجود است محدوده ی مذکور را به نام دلاور خان غوری به رسمیت شناخت . او مردی بود متین و استوار ، عادل و باذل و بر رعیت مهربان و نیک اندیش

حکایتی که در ذیل نقل میشود با تغییر عبارت حکایت تاریخی است که در مجله ی به نام "اردو" در زمان حکومت محمد ظاهر شاه از طریق وزارت دفاع ملی به نشر رسیده است .

"احمد خان ابدالی را سر ارادت بر آستان قطب العارفین حضرت سلطان مودود چشتی رحمه الله علیه بود و روزگاری قصد دیار مولا نموده و به قصد زیارت روانه ی چشت بود . طایفه ی از دشمنان در کمینگاه نشسته و ورودش را دقیقه شماری مینمودند . از قضای کردگار دلاور خان غوری را نیز همین مهم در پیش آمده و او نیز قصد زیارت حضرت سلطان را نمود و در عرض راه به این مردم بر خورد و چون کشف احوال کرد واقف شد که این طایفه را قصد کشتن احمد خان ابدالی در سر است و چون او را با احمد خان ابدالی مراودت و دوستی بود بیدرنگ بر آنها تاخت و بعد از زد و خورد همه را اسیر و سرکرده ی شان را به جزای واجب رسانیده و دیگران را با خود به آستان حضرت سلطان آورد .

حضرت سلطان آنها را عفو فرموده رها نمود روزی بعد که احمد خان نیز از راه رسید و از آنچه اتفاق افتاده بود واقف گردیده و از دلاور خان غوری اظهار سپاس نموده و چند روزی به معیتی همدیگر به بارگاه سلطان صاحب بودند هنگام وداع حضرت سلطان برای احمد خان ابدالی خوشه ی گندمی،

چنین گفت راوی که در ملک غور شهی بود با داد و با عدل و زور ز اولاد شاهان عالی تبار ملقب به شهزاده ی نامدار مسلمان و آگاه و هم نو جوان رعیت پناه عادل و مهربان به هیکل چو آن رستم روزگار به گاه شجاعت چو اسفندیار ادیب و خلیق و پسندیده بود مسلمان آگاه و دل زنده بود رعیت ز عدلش همه در امان به خلق خدا مشفق و مهربان به روز نبرد و به جنگ و کمین نبودی حریفش به روی زمین چو در خون او خون شاهنشهان "غیاث" و "علا" و "شهاب" زمان خدا جوی سردار عالی نسب دلاور که دارد ز شاهان حسب دلاور امیر جهاندار غور دلاور شهیم سپهدار غور

دلاور خان برادر میر محمد سلطان و کاکای سردار امیر محمد خان بود و سردار امیر محمد خان بانی قلعه ی تیوره است که تا سالهای اخیر مرکز ولایت غور و هم اکنون مرکز ولسوالی تیوره بوده و فراز هایی از برجها و دیوار هایش تا کنون پا بر جاست .

بنا بر ارادت که شاهان غوری به حضرت سلطان صاحب داشتند مقبره شان در جوار ایشان بود و این معمول بعد از فوت دلاور خان غوری با به میان آمدن نزاعی خاتمه پذیرفت و بعد از دلاور خان غوری بزرگان دیگری که فوت نموده اند مقابر شان در چهار باغ نزدیک مرکز تیوره موجود است به شمول سردار امیر محمد خان که از سنگ لوح مزارش یک بیت را به یاد دارم و آن اینست .

من امیر ملک سرحد بودم و نامم امیر عاقبت روزی به این کنج لحد گشتم اسیر و صورت مکمل نوشته ی این سنگ لوح در کتاب تاریخ غور تالیف مرحوم محمد نسیم (پروانه) موجود و متاسفانه به دسترس بنده نبود.

حیران سرپر

الغیاء

غزل عاشقانه و عارفانه از مولانا حیران غوری (رح)
الغیاء از دست آن سردار خوبان الغیاء
الغیاء از جور آن شمع شبستان الغیاء
غارت جان و دلم شد نرگس جادوی او
الغیاء از ظلم آن گیسو پریشان الغیاء
نرگس مستش هزاران رخنه بردل می کند
الغیاء از آفت آن تیر مژگان الغیاء
لعل او وقت تکلم هوش از سر می برد
الغیاء از مکر آن لعل بدخشان الغیاء
از غضب چین برجین دارد گناه خلق چیست؟
الغیاء از خلق و خوی مه جبینان الغیاء
ابروی همچون کمانش بر کمین جان ماست
الغیاء از ضربت آن تیر و پیکان الغیاء
«آن صنم دوشینه می خوردست مستی می کند
انفعال از دست خیل می پرستان الغیاء»
قامتش باشد قیامت بر همه روی زمین
الحدرگر شد بقصد دین و ایمان الغیاء
بسکه «حیران» محور روی اوست از خود بی خبر
هرزمان از دل برآرد، آه و افغان الغیاء

سلطان غیاء

غزلی از میرعبیدالله سرحدی (رح)
سحر از سوی چمن باد صبا می آید
وزدم باد صبا بوی وفا می آید
مگر آن سروخرامان به چمن آمده است
که زمرغان چمن نیک نوا می آید
یادآنروز بتماشای گل و ملک هری (۱)
بوی فردوس ازین آب و هوا می آید
هرطرف صومعه و خانقه و طوف و مزار
خضر آنجا بگذر، شام و صبا می آید
شاه عالم ملک عادل سلطان غیاء
که به قبرش همه دم نور خدا می آید
بزبانش شرر عشق چنین شعله نمود
بوی عشق از نفس شاه و گدا می آید
گردرین عهد، به اندوه و الم صبر کنی
«سرحدی» درد ترا زود دوا می آید
روز نوروز

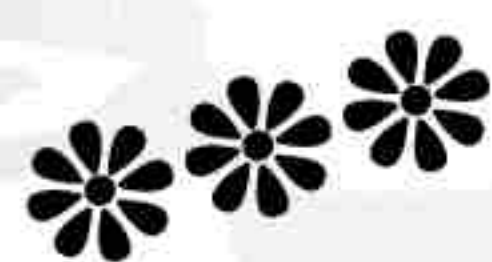


سپید شعری از استاد دهزاد غوری
 بگذارید خدا را
 دلم و بایسکلم
 من و مخروبه بیداد زمان
 من محدوده ی ملک پدرم
 گر خرابست اگر خوب بحالش باشد
 روزگاری بهمه رنج و تعب
 اودر آغوش پراز مهر و عطوفت من را
 پروردیست به ناز و نعمت
 ولی امروز، که دیوار و درش ریخته است
 تارمق دررگ و جانم باشد
 پاسبانش هستم
 که همه عزت من
 حشمت و عفت آبابی من
 فقط اینست فقط
 آری؛
 زود یا دیر ترک
 من بدست خودم آباد کنم
 که ثباتی نبود کرده ی اهریمن را
 وانگهی بادل شاد
 زیر چترش بنشینیم
 همه با همدیگر
 ! شکر ای بار خدایا
 که شد آباد بدستم
 و به مردانگی هموطنم
 جشن آزادی و عزت
 همه آنروز بگیریم

تقسیم

تقسیم در صنعت شعری جالب و بامزه است، طریقه ی آن چنین است که شاعر در آغاز چند چیز را ذکر می کند و بعد چند چیز دیگر را که به آنها تعلق دارد با تعیین متعلقات هر کدام بیان می کند و فرقی از لف و نشردر همین تعیین متعلقات است. مثال

ای گشته چو من هزاردر پای غمت
 وی غرقه چومن بسی بدریای غمت
 ویران مکن این دیده و دل ز آتش و آب
 کان جای خیال توست این جای غمت



گردمن و گرد تو صف زده جانا مدام
 گرد تو دلدادگان، گرد من اندوه و غم
 بخت من و چشم تو هر دو بخوابند لیک
 این یکی تا روز حشر، آن یکی تا صبحدم

تقسیم نیز مانند لف و نشربه دو قسم، مرتب و غیر مرتب و یا مشوش است و مثال این در شعر آتی مشاهده شود.

یابندد یا گشاید یا ستاند یا دهد
 تا جهان بر پاست باشد شاه را این چار کار
 آنچه بستاند ولایت، آنچه بخشد خواسته
 آنچه بندد دست دشمن، آنچه بگشاید حصار

در تربیت کودک

محمد حسیب حزین یار

انسانی عوامل

مثل پدر کلان، مادر کلان، کاکا، ماما، عمه، خاله، فرزندان آنها و همچنین دوستان و آشنایانی که از لحاظ میزان رفت و آمد ها و روابط در ردیف خویشان و نزدیکان قرار دارند.

نقش و تأثیر آنها در تربیت کودک اندک نیست چه بسیار کودکانی که تحت تأثیر بستگان و خویشان خود قرار گرفته اند، صالح یا فاسد شده اند، نوع برخوردها و تماسهای آنان با کودک می تواند در مواردی سر نوشت ساز باشد، خانواده ها بر اساس آزادی که در روابط با خویشان و بستگان دارند ممکن است باز یا بسته (آزاد یا مقید) خوانده شوند، خانواده باز را میخوانیم که روابطش با بستگان قید و بندی را قایل نباشد و خانواده ی را بسته میخوانیم که روابطش با بستگان و آشنایان بر اساس ضابطه ی باشد. در خانواده باز این مزیت وجود دارد که طفل با فرهنگ های گوناگون آشنا می شود

که تمام زوایای زندگی را در وابستگی به محیط توأم ساخت و خود را طوری عیار نمود که طرف پسند جامعه و محیط ماحولش باشد.

در بحث کنونی شاخص های تربیت کودک را از تأثیر گذاری خویشاوندان و گروه همسالان به بررسی میگیریم و می یابیم که در روان یک کودک خویشاوندان و نزدیکان و همچنین همسالان و همبازیها چه تأثیر بجا می گذارد؟ امید وارم با این چند نکته بتوانم ذوق خواننده گرامی را تا اندازه برآورده ساخته و هر کدام ما به خاطر آینده بهتر فرزندان، خواهران، برادران و همسالان ما نقش تربیه کننده ی را ایفا نمائیم:

خویشاوندان چه تاثیری بالای تربیت دارند؟

باز هم نکاتی آتی را از نوشته دکتر علی قائمی بصورت برداشت علمی به بحث می گذاریم، او نوشته؛ غرض از خویشاوندان آنها یی هستند که از لحاظ روابط و تأثیرات محیطی در درجه دوم دارای اهمیت اند،

در بحث های قبلی تأثیرات پدر و مادر در تربیت کودک را توضیح داده دیدیم که نقش پدر و مادر در تربیه کودک حالت های بخصوص داشت که وابستگی طفل را به آنها تا کدام درجه نشان میداد، بایکی طفل حالت مشاور و بادیگری رازش را نگه میداشت این دنیا طوری بنا شده که انسان در هیچ وقت نمی تواند استقلال مطلق داشته باشد، هر چند خداوند متعال انسان را مخیر نموده تا خود راهش را انتخاب نماید، اما زندگی اجازه ی مطلق العنانی را به او نمیدهد، خواهی و نخواهی باید در راه قدم گذاشت که برونق مقتضیات زمان بود و یا انسان خود را در دایره ی نگاه کند که دیوار های محیطش برای او اجازه میدهد.

آن فورمولی را که خداوند بزرگ در علم کامله اش سنجیده خیلی زیبا ست، اگر انسان بتواند بر آن توافق حاصل نماید، این توافق از محیط خانواده و آغوش والدین به آغاز گرفته می شود و بر انسان حکم می کند



و خلق و خوی های متفاوت را می پذیرد، ولی این عیب را دارد که بعضی بدآموزی های ممکن است به او منتقل گردد، باز بودن و یا آزاد بودن به معنی آن نیست که اعضای یک خانواده هرچه بخواهند بکنند، یا هرچه دل شان شد انجام دهند؛ این موضوع بسیار مهم است

بخصوص در جامعه اسلامی و افغانی ما که از فرهنگهای متفاوت برخورداریم.

همه ادراکات ما در زیر چتر اسلام که مکمل تمام قوانین جهانی است کاربرد داشته و بر عموم ماست تا اول مسلمان بودن مانرا ثابت نموده و بعد شامل فرهنگ متفاوت افغانی باشیم و همچنین طفل تا مادامی می تواند به خویشاوندان ارتباطات خود را تأمین نماید که اخلاق آنها با اخلاق خانواده اش همسانی وهمگرایی داشته باشد.

از نظر خلقت همه انسانها یکسان آفریده شده و از نظر کرامت انسانی تفاوتی در آنها نیست، اما از دید عقلانی وقتیکه اخلاق در یک جامعه متفاوت است، مسلم است که در خانواده ها هم تا یک فیصدی تفاوت خواهد داشت، روی این علت است



که ممانعت طفل از آمد و شد در بین خویشاوندان کار مطلوبی نبوده، اما در این تعاملات کنترل و نظارت جدی را میخواهد تا که طفل در همین راستا به سوی انحرافات و مفساد دیگریکه ممکن در بعضی از خانواده ها وجود داشته باشد، دامنگیر اطفال نگردد.

بلی؛ بهمین منوال تاثیر گذاری همسالان بالای طفل نیز بهمین منوالیست که در خویشاوندان احساس می شد، درهمین محدوده بازهم دوکتور قائمی با انتباه از روانشناسان مشهور جهان می نویسد: همسالان آنهایی هستند که طفل با آنها دوست و معاشر است و با یکدیگر جرگه اجتماعی را تشکیل میدهند، روابطی را که طفل با افراد معاشرش دارد، در تربیت و برداشت او بسیار مؤثر است و بخصوص در مراحل اواز تظاهرات، اظهار نظر ها، طرز فکر ها و رفتار شان درهم دیگر مؤثر است و چه بسیار اقدامات و تصمیم گیری های شان که در این رابطه است، حتی لغزشهایی که برای برخی از آنها بوجود می آید از لحاظ منشأ بصورت و گونه است که آرزو می کنند یکاش فلانی را دوست خود برنمیگرفتم.

نقش این گروه درسه مورد حتی از نقش پدر و مادر هم بیشتر است،

بطور مثال این سه نکته ی مهم را قرار آتی می توان مورد تحلیل قرارداد:

- در مواردیکه خانواده به محیط جدید کوچ می کند در چنین صورتی کودک به علت علاقمندی بسیار به بازی و معاشرت با کودکان محیط جدید با فرهنگ آنها آشنا می شود و رنگ و خوی آنان را می پذیرد.

- در مرحله بلوغ و نو جوانی که در آن حالت راز داری و راز گویی با دوستان همسال و آزادگی از والدین و محیط خانواده دوستی های آتشین و دشمنی های آتشین پیدا می آید و آنان شدیداً تحت تأثیر معاشران هستند، آنچنانکه حتی در فورم پوشش لباس، درادا و اطوار هانقشی را ایفا می کنند که مورد علاقه دوستان است.

- در مواردی که خانواده آشفته و نابسامان است و کودک احساس می کند، خانواده برای او پناه گاهی قابل اعتماد نیست به دوستان پناه می برد و از آنها کمک می طلبد، غرض از خانواده نابسامان خانواده ی است که در آن کودک یتیم باشد، پدر یا مادر را از دست داده باشد.

- والدین هم متارکه کرده و کودک زیر نظر ناپدری (پدر اندر)، نامادری (مادر اندر) و یاپدر و مادر دائماً در حال نزاع و درگیری باشند. پدر و مادر زنده ولی میزان غیبت آنها به میزانی باشد که کودک بمنزله تیمی بحساب آید.

با بیل بهتر می کنند؟

روزی سیل بزرگی از کوه ها سرازیر گردید، باغها، خانه ها، کشت زار ها و مواشی مردم را درهم کوبید، مردم سرو صدارا براه انداخته یکی با بیل و دیگری با کلند و بعضی ها با بوجی های پلاستیکی بطرف سربند جوی عام می دویدند، فضل و دید که همه بوجی گرفته و به یکطرف می دوند، خود را بخانه رسانیده جوال آردش را که نیمه از آرد بود بروی خانه خالی نموده و با شتاب بطرف سربند روان شد، او دید که بعضی ها بیل های دهقانی را روی شانه گذاشته می دوند، خود را بیکی از همسایه نزدیک نموده، درحالیکه نفس نفس میزد پرسید: لالا امروز به بیل بخش می کنند؟

جعلی

موتر را راننده از گاراژ کشید تا محموله اش را بمقصد برساند، ترافیک با اشپلاق بلندش امر توقف داد و روبه راننده کرد، پرسید کجا می روی؛ راننده گفت:.... آمر صاحب؛ ترافیک گفت پیاده شو، راننده پیاده شد، گفت لایسنس، لایسنس را داد، گفت جواز؛ جواز سیرش را داد، گفت چند خروار بار کردی؟ بارنامه اش رانشان داد، ترافیک چهار طرف موتو رامعاینه نموده گفت؛ نامت چیست؟ گفت: حمید، ترافیک دوباره لایسنسش را ورننداز نموده با خشونت گفت؛ جعلی است، راننده گفت نخیر تازه تجدیدش کردم، ترافیک ادامه داده و از بازوی دریور گرفته گفت بیا بریم ماموریت، راننده پرسید گناهم چیست آمر صاحب؟ ترافیک گفت: نامت حمید است چرا نام پدرت زلمی می باشد؟

مسیر زندگی

سید محمد رفیق نادم

بازی بردن بال عقب بوسه بردندان مار کوه برکندن به سوزن سنگ بپریدن بخار زیر چکمه جان سپردن روز و شب بودن به بند بی سبب رفتن به زندان یا سپردن سر بدار تشنه لب اندر بیابان چای پارتن بسر سنگ خارارا به سر انگشت خود کردن شیار بار صد اشتر کشیدن باقد خم چون کمان سنگ راباسر شکستن یا که خوردن زهر مار زیر لب جادادن غنبدل و گژدم روز و شب یا به نیش عقب از پا کشیدن پوده خار سیر اندر کهکشان و استراحت در مریخ یا نهادن بر سربام فلک پشقاب وار

نکته

راه بند

مامور صابر چرا دیر آمدی؟ مامور صابر گفت: راه بندی بود مدیر صاحب؛ راه بندی؟ مدیر با خشونت گفت: توکه از هیچ سرکی عبور نمیکنی و همیشه پیاده بدفتر می آیی، مامور با شرمندگی گفت: مدیر صاحب عیال داری ام اجازه نمی داد بدفتر بیایم؟ مدیر که خیلی عصبی بود پرسید چرا؟ مامور صابر گفت: سه ماه است معاش نگرفته ام، زخم ترسیده که تمام سال رضا کار محسوب نشوم.

شیر را در برگرفتن پنجه دادن با پلنگ شیشه خائیدن به دندان رخنه کردن بر حصار همقفس بودن به خرس و همقفس بودن به غول مرده در آغوش بودن یا که زال اندر کنار شیر دوشیدن زبیر و پوست برکندن زکرک آهو بگرفتن بدست و یوزاند کار وزار با پشک اندر جوال و با خشک بودن به شب در زمستان خنک در بین برف کوهسار روز و شب خون جگر خوردن بجای نان و آب آتش اندر پلک زدودن هجرت از ملک و دیار خنجراندردل فشردن میخ کوبیدن بچشم زیستن در غار گژدم خفتن اندر در بین نار بستر از خار مغیلان جامه از جنس آوول پا برهنه سیر و حرکت در زمین خار زار کفش تنگ و پای لنگ و چشم کور و آب شور خفته در بین تنورو یا که دور از وصل یار در مسیر زندگی در نزد "نادم" جمله گی بهتر از آنست که باشد مرد نادان یار غار

و این زباله است که دوران تکاملی داشته و همیشه سایکل معینی را در حیات انسانها، گیاه ها و حیوانات بازی می کند و وابستگی دارد به مسئولین که چگونه می توانند این مواد بظاهر زائد و غیر قابل استفاده را پروسس و به مواد مفید مبدل سازند.

انواع زباله

مجموع مواد زایدیست که از فعالیت های انسانی و حیوانی بصورت جامدو یا مایع غیر قابل استفاده به بیرون از منازل انداخته می شود، این تعریف بصورت مجموع در برگیرنده همه منابع عضوی و غیر عضوی بوده و دارایی خصوصیات مربوط بخود است. زباله ها را اگر گروه بندی نمائیم، به دو گروه منقسم میگردند: (یکی زباله های صنعتی و دیگرش زباله های غیر صنعتی) و همچنین زباله های را که ما مشاهده می کنیم به اشکال مختلف در طبیعت وجود دارد.

۱- زباله های شهری

در زباله های شهری یکی مواد اضافی غذایی است، که فساد پذیری داشته و از مواد آشپزخانه شروع تا میوه جات و ترکاری های مازاد استفاده راتشکیل میدهد، پسمانده های غذایی مهم ترین قسمت زباله هاست که در فصول مختلف سال نظر به کمیت شان تغیر وارد می شود، مثلاً در تابستان مواد غذایی طبخ شده، میوه جات و سبزی جات بیشتر بوده و نسبت حرارت هوا زود تر گندیده می شود و محیط را زود تر آلوده می سازد، این مواد به دلیل تخمروفساد سریع بوی های نا مطبوعی تولید کرده و محل مناسب رابرای رشد و تکثیرحشرات، مگس هاو حیوانات جونده مساعد می سازد، از جانب دیگر، در صورت داشتن مهارت های فنی میتوان از این مواد کود های مناسب را برای رشدزراعت و حد اقل برای باغچه داخل منازل استفاده کرد که بنام (کمپوست) یاد می شود.

این زباله ها در محیط ما بیشتر از سایر زباله هاست ولی بصورت غیر مسئولانه در روی جاده ها، کنار منازل راه روها، جاده ها و جوی ها انداخته می شود و به اشکال ذیل است:

• آشغال - آشغال بصورت عموم به کاغذ پاره ها، پلاستیک، قطعات شیشه، مواد فلزی، چوب و سایر مواد جامد اطلاق میگردد که اینها مورد استعمال مجدد هم دارند، در شهر ها این آشغال ها از طرف کودکان بصورت غیر صحی جمع آوری شده برای سوخت در منازل و پخت و پزیکار برده می شود که مضرات زیادی را متوجه مستهلکین آن می سازد.

• خاکستر - باقیمانده مواد سوختی، مانند؛ چوب، زغال، زغال سنگ، مواد فاضله حیوانات که درگرم نمودن منازل و پخت و پز استفاده شده و مواد حاصله از آن بعد از مصرف خاکستر است، از این موادبا در نظر داشت مواد کیمیاوی آن هم میتوان استفاده کرد، زیرا برای نرم نمودن زمین های زراعتی، باغات و حتی برای ازبین بردن حشرات مضره نباتی کار برد خوبی دارد، شرط آنست که بصورت صحی و بهداشتی از آن کار گرفته شود. اما انداختن آن در محیط آزاد باعث شیوع آن در راه ها، کوچه هاو منازل شده به آلودگی محیط زیست صدمه وارد می کند.

تا حال کمتر مردم ما متوجه آن شده ان که تراکم آشغال در کوچه ها، راهروها، کنار جاده و نقاط مزدهم زندگی انسانها چه ضرری دارد؟ و یا استفاده از این مواد چه مفادی داشته می تواند؟ بعضی از هموطنان ما زباله ها را صرف در کثافت کوچه و منازل تلقی نموده و بعضی هم فکر می کنند این مواد زایده باید در گودالها، جوی ها و کوچه ریخته شود تا منازل شان پاک گردد، عده ی شهر نشینان هم فکر می کنند وظیفه شاروالی هاست که زباله ها را جمع آوری و انتقال دهند، شاید تا اندازه این حدت هموطنان ما بجا باشد اما اگر عمیق بررسی و مطالعه گردد، درشهر های پرنفوس امکانات شاروالی هاکم بوده و نمی توانند به جمع آوری زباله ها رسیدگی نمایند، پس برای هر هموطن ماست که خود شان شاروال منزل، کوچه و محل زیست شان بوه و درجمع آوری مواد زایده دست بدست هم داده محیط خود را از آلودگی های که سبب تولید امراض میگردد نجات بخشند، در مقاله که به آن در ذیل پرداخته می شود مطالعه کوتاهیست پیرامون زباله ها، شناخت و کار برد آن امید واریم این موضوع نقطه ی آغازی باشد برای حفظ و نگهداری محیط دلخواه همه هموطنان عزیز ما.

ابتدا یک تعریف کلی از زباله ها: آشغال یا زباله، پسمانده و باقیمانده از تولید تا تغیر شکل آن چیز های دیگر که قبلاً تولید یا استفاده شده باشد و در بعضی حالات از آن ظاهراً استفاده نگردد، زباله آنست که دوباره از مصرف آن صرف نظر شده در محلی انداخته و یا دفن گردد.

ماهمه روزه به اشیا و وسایل برمیخوریم که بصورت زایداز منازل کشیده شده در کوچه ها، پس کوچه ها و یا در جوی ها انداخته می شود، این زباله ها چگونه تولید می شود؟

و به چند نوع است؟ در کشور های متری و صنعتی زباله ها را به چندین کتگوری تقسیم نموده و از هر یکی آن استفاده قابل ملاحظه ی صورت میگیرد و زباله یکی از مهم ترین محصولات است که بصورت ارزان بدست آمده و بعد از پروسس به قیمتی ترین مواد لازم به بازار عرضه می شود





• مواد ساختمانی که بعد از تخریب منازل حاصل می شود - این مواد هم از اثر تخریب ساختمانها حاصل می شود، در ظاهر از این مواد کاربرد مجدد صورت گرفته و مفید تلقی میگردد، اما در حقیقت دارای مواد کار بونی بوده با تعامل به طبیعت، هایدروکاربن ها را تشکیل داده که به پاکی محیط مضر و تخریب کننده است.

• زایدات خاص - این مواد شامل موادی که در اثر جاروب نمودن کوچه ها سرکهها، برگ درختان و اجساد حیوانات بدست می آید، اکثریت امراض واگیر و کشنده را می توان محصول این مواد پنداشت، زیرا در ترکیب این مواد تخم های حشرات، سلول های مضره و غیره جابجا شده و در صورت مساعدت هوا و یا تعاملات دیگر به دیگر زنده جانها آسیب می رساند.

۲- زباله های صنعتی

این مواد شامل مواد اضافی ناشی از فعالیت های صنعتی که شامل فلزات، مواد پلاستیکی، مواد کیمیاوی خطرناک هستند که جمع آوری و حمل و نقل آن بمهارت های خاصی نیاز است، البته این مواد بزودی می تواند تأثیرات خاص خود را بالای محیط، انسانها و حیوانات بجا گذارد و صدمه بزرگی بر همه موجودات زنده وارد نموده سبب محو، فلج و یا جلوگیری از رشد حیات گردد.

و خطرناکتر از آن باقیمانده مواد مایع یا جامد است که به سبب کیفیت فزینی، کیمیاوی و یا بیولوژیکی می تواند باعث افزایش مرگ و میر و یا مریضی های جدی ساری گردد. آژانس حفاظت محیط زیست (Environmental Protection Agency) EPA ("Protection Agency ") زباله های مذکور را به مواد زاید و جامدی اطلاق می نماید که بالقوه خطرناک بوده و یا اینکه پس از طی مدت زمانی موجبات خطر را برای محیط زیست فراهم می کند.

یکی از مشخصات زباله های خطرناک، قدرت انفجار، احتراق و عکس العمل پذیری آنست و آزاد کننده مواد سمی بوده مواد زاید پروژوایی را که از پسمانده مواد کیمیاوی بدست می آیدزود قابل اشتعال است. بسا از مردم ما شاهد آنند که در ذخیره گاه های بزرگ آشنالی که از طرف شاروالی ها ذخیره گردیده نا خود آگاه حریق صورت گرفته و روزوهفته ها این حریق ادامه داشته و یا مهار کردن آن دشوار بوده است.

در این رابطه بعضی از اعمال را که خانواده ها انجام میدهند باید خلاصه کرد، اکثریت خانواده هابشکه های پلاستیکی روغن غذایی قطی های رب رومی، عسل، مربا، و بشکه های آلوده به تیل های دیزل، پترول، تیل خاک و غیره

را در یک اتاق یا گوشه ای منزل شان برای فروش و یا استفاده مجدد جمع آوری می کنند، موادی که در داخل این ظروف است بصورت عموم تعاملات کیمیاوی را انجام داده و در مجاورت هوای نه چندان آزاد آهسته آهسته قوه احتراق و یا انفجار را بخود میگیرند که بالاخره عمل احتراق بدون نزدیک نمودن کدام آله آتشزا چون؛ گوگرد، فندک و چقماق عمل احتراق صورت گرفته علاوه از بروز ضرر مادی، تلفات جانی را نیز بوجود آورده و دوباره سبب آلودگی محیط می شود.

ازین رو دانشمندان محیط زیست تأکید دارند تا از ذخیره نمودن اشیای آلوده بمواد عضوی، غذایی، و سوختی در منازل و محیط که زندگی جریان دارد جداً جلوگیری گردد، اگر این مواد بنابه نیاز ذخیره می شود باید دور از منزل و دور از دسترس اطفال بعد از شستشوی جدی نگهداری شده و هر آن از تغیر کیفیت آن مواظبت صورت گیرد.

۳- زباله های جمعی

خطرناک ترین مواد اضافی از شفاخانه هارا تشکیل میدهد که آلوده بخون، کثافات عضوی و ادویه جات پس از مصرف آلوده بوده این زباله هابمواد مختلف پاتولوژی، پروتوزوایی، کیمیاوی، سمی (زهری) قابل احتراق و عکس العمل دهنده تقسیم شده که هر کدام به نوع خود فاسد کننده محیط زیست، ناقل امراض جدی و قابل احتراق اند، در نگهداری، انتقال، حریق و دفن آن دوکتوران و مؤظفین ارگانهای صحی تأکید داشته و برای جلوگیری از شیوع میکروب ها جدیت تمام دارند.

بهمین مناست است که محیط شفاخانه هارا کوشش می کنند باغرس درختان زینتی، مثمر، کشت بته ها و گل های مختلف سبز نگاه دارند هکذا رول عمده منابع صحی در پاک نگهداری محیط از هر گونه آشنغال بوده و شفاخانه ها و مراکز صحی کانون تعلیم و تربیه برای خانواده هاست، هر بیماری به شفاخانه مراجع نماید بعد از عودت دست کم چیزی در باره زندگی انفرادی و اجتماعی می آموزد که در زندگی بایدازان مزیداً استفاده نماید.



سلاطان شمس الدین غوری (۶۰۷ھ - ق)

(1210 - م) Sultan Shams ddine Ghori

SHANSABANEYA



Email: hazinyar.gjcf@gmail.com

Mobail: 0799237579